

حکایت و روایت

نویسنده:

زهرا شکوهی طرقي

مسابقه نظم و نغاشی



قرار بود فردا توی مدرسه مسابقه نقاشی داشته باشیم. به خیال خودم شب زود خوابیدم که صبح زود بیدار شدم. هر چی گشتم دنبال مدار رنگی هام پیدا نشون نکردم. مامانم همیشه می گفت: «وسایلتو جمع کن و سر جاشون بذار». اما من هیچ وقت گوش نمی کردم. همین طور گریه می کردم و دنبال مداد هام می گشتم. از اون جعبه پر از مدادهای رنگارنگ فقط دو تا مدادمو پیدا کردم. مامانم که صدای گریه منو شنیده بود به اتاقم اومد و خواست علت ناراحتی منو بپرسه که با یک نگاه به اتاقم همه چیز دستگیرش شد اما بدون اینکه چیز دیگه ای بگه گفت: «پسرم مسابقات دیر نشه عجله

کن». همون دو تا مداد رنگی رو داخل کیفم گذاشتم و به سمت مدرسه حرکت کردم. بچه ها آماده مسابقه بودن. وقتی معلم موضوع نقاشی رو طبیعت اعلام کرد همه بچه ها جعبه های مداد رنگی شونو که پر بود از مدادهای رنگارنگ بیرون آوردن و با هیجان شروع به کشیدن نقاشی کردن. اما من نقاشی زود تموم شد. آخه به خاطر شلوغی اتاقم فقط دو رنگ از مداد رنگیمو پیدا کردم. با اون دو رنگ هم کوه کشیدم و خورشید. با اعلام پایان وقت مسابقه بچه ها

مادر از توی اتاق سامان را صدا زد و گفت: «مامان نمی خواهی بخوابی مگه تو فردا امتحان نداری؟ دیر

وقته ها. سامان سرش را روی کتاب برگرداند و جواب داد: «بله دارم درس می خونم یعنی خوندنم این دفعه سومه که دارم دوره می کنم خیالتون راحت فول فولم». سامان در حالی که جلوی تلویزیون دراز کشیده بود و هر بار که گوینده باشور وقایع رخ داده در زمین فوتبال را تفسیر می کرد، هیجان زده محو تلویزیون می شد. بعد از چند لحظه دوباره به کتاب نگاه می کرد و جمله ناتمام را از

اول می خواند. شب از نیمه گذشته بود سامان که دلخور از نتیجه بازی بود غرغر کنان گفت: «آه از این دور، حالمو بهم زد اهن از همون اول معلوم بود طرفدار اون تیمه». بعد در حالی که صفحات کتاب را تند ورق می زد، خمیازه کشید و گفت: «آخرش چند تا از فصل کتابموند عیبی نداره فردا صبح زود پامیشم بقیشو می خونم»

سامان روی برگه ای نوشت: مامان صبح ساعت ۵ بیدارم کن قبل از رفتن یکبار دیگه درس ها را مرور کنم. بعد برگه یادداشت را طوری لای در اتاق خواب مامان گذاشت که با

که تو امروز توی مسابقه برنده نشدی اما متوجه شدی توی زندگیگه اگه نظم نداشته باشی نمی تونی به هدفات برسی».

♦♦♦

دو کلمه حرف خودمونی با شما دانش آموز عزیز

تصور کنید یک شب شما برنامه فردا تون رو آماده نکنید، دفتر کار کلاس رو پر نکنید و یادتون بره به والدین تون بدید امضا کنن، حتی روپوش مدرسه تونم نامرتب باشه و شب هم به خاطر دیدن تلویزیون تا دیر وقت بیدار بمونید، فکر کردید چه اتفاقی می افته؟ واضحه که شما صبح خواب می مونید، از سرویستون جا می مونید، تازه باید برنامه مدرسه تون رو آماده کنید، دفتر کارتون رو به مادر تون می دید تا امضا کنه، مامان هم به دلیل جمع کردن وسایل شما و روبه راه کردنتون مجبور میشه دیرتر به سر کار بره تا شمارو به مدرسه بر سونه. تازه با ورود به کلاس متوجه می شید امروز کلاس درس ندارید و می خواهید به اردو برید اما شما حتی یادتون نبوده که رضایت نامه تون را به اولیا تون بدید که امضا کنند. معلم با مادر تون تماس می گیره و از اون اجازه می گیره که شما به همراه دوستانتون به اردو برید، اما شما حتی خوراکی هم ندارید و مجبورید کیف پر از کتاب رو با خودتون به اردو ببرید. در مسیر دوستانتون همه شاداب و پرانرژی هستند اما چون شما دیر خوابیدید کسل و بی حوصله اید.

به نظر تون همه این اتفاق های بد به خاطر چی بود؟... فکر کنم شما دوست های گل صفحه «جوانه» که این مطلب رو می خونید خیلی خوب می دونید که رعایت نظم و انضباط جلوی همه این اتفاق های بد رو می گیره. توی مسابقه زندگی هم مثل مسابقه نقاشی باید منظم باشید تا همیشه برنده و موفق باشید.

باز شدن در جلوی پایفتد.

سامان از مدرسه که برگشت در جواب سوال مادر که پرسیده بود: «بالاخره به موقع به امتحان رسیدی یا نه؟» بادلخوری گفت: «نه وقتی رسیدم که در سالن امتحانات رو بسته بودند. حیف، این همه خوندم. صبح چرا بیدارم نکردی مگه یادداشت نگذاشته بودم زود بیدارم کنی؟» مادر گفت: «من که یادداشتی ندیدم». چند متر آنطرف اتاق خواب جلوی پنجره باز یک برگه کاغذ نگاه سامان را به خود جلب کرد.

ورقه یادداشت



آیا میدانید؟...

این شماره ورزش

آیا میدانید:

افزایش گردش خون با اکسیژن رسانی بیشتر به سلولهای پوست باعث شادابی و رنگ زیبای پوست شما هم خواهد شد.

آیا میدانید:

پیاده روی سه روز در هفته به مدت ۴۵ دقیقه برای بالا بردن زیرکی و هوش شما کافی است.

آیا میدانید:

ورزش کردن کمک می کند که بهتر و راحت تر بخوابید.

آیا میدانید:

ورزش وضعیت گوارشی را بهبود بخشیدم و عبور غذا از روده ها را تسريع می کند.



طراح و تصویر ساز:
حسین کشتکار

پروانه
ویژه کودکان

از میان این شش تصویر تنها دو تصویر کاملاً شبیه هم هستند. به نظر شما آن دو تصویر کدام هستند؟

با کمک مداد مسیر رسیدن زنبور به گلها را مشخص کنید.

فکر می کنید کدام شماره به مرکز نشانه اصابت کرده است؟

برای اینکه اسرار این خطوط مبهم را کشف کنید کافی است با مادام رنگی قسمت هایی را که به همان رنگ مشخص شده است رنگ کنید.

حدس می زنید در جاهای خالی چه میوه ای باید باشد چرا؟